برای شهید حاج ابراهیم همت

تو از پنجره‌های آبی گذشتی

محمدا گلم، یادم می آید فصل بهار بود که آمدی به دامنم. بهار نارنج و ترنج، بهار باران و شکوفه، بهار نسیم و شبنم. بهار بود که طعم اولین لبخندت را از غنچه های گل سرخ چشیدم و گریه هایت را شبیه باران یافتم. بهار بود که از افق شانه هایت سپیده دم طلوع کرد و نگاهت به آسمان پیوند خورد و مثل نسیم سبک از پنجره های آبی گذشتی و با گلهای اقاقی پلک گشودی و روبروی هزار دشت شقایق گلمهایت آغاز شد. محمدم! آن روزها که من و تویکی بودیم و همه بی فرآمدن تو بودند و تو از من نفس می گرفتی، در یکی از روزها من و تو همسفر شدیم و در راه جاده ای سرخ زائر آن سوی فرات شدیم. آن سفر که تو هنوز در دامان من نشکفته بودی من و تو زائر شدیم. زائر حرم مظلومیت! زائر حرم وفا! زائر حرم تشنگی! ساعتها با هم زیارت نمودیم. دعا خواندیم. گریستیم. ناله کردیم و دلهایمان را کبوتری کردیم تا سالها زائر گلوهای تشنه باشند و تو به دنیا نیامده به دریای خون پیوستی.

□□□

اینجا جزیره مجنون است. اینجا کانالها پر از پرنده های پرپر است. اینجا همه به دنبال لیلای خویش می گردند. همه آسمان میهمان این جزیره است. همه لیلاوار شعر جنون می سرایند. چشمه ها به هواداری گلوهای تشنه برخاسته اند. درختها به سجود پیشانی های برخاک رفته به قیامند. از طلاییه آتش و خون می رود. هر لحظه احتمال پرنده شدن است. به همه گفته اند: فکر برگشت نباشید. تو و یارانت پا به پای تک و پاتک عراقیها آمده اید. اما طلایه باز هم از تو یار می گیرد و گل. طلاییه همچنان اسیر کرکسان است و هیچ راهی وجود ندارد. عملیات خیبر، تو و لشکرت مأموریت داشتید پل طلاییه را به تصرف درآورید. کار خیلی سختی بود. بچه ها همان شب اول از پل گذشتند. فردای آن روز عراقیها پاتک زدند. آن هم چه پاتکهایی! بچه ها مقاومت می کردند. اما ارتباط با عقبه خیلی دشوار بود. ماندن ساده نبود. مجبور شدند برگردند. لشکر چند شب عمل کرد. اما موفق نشد. در منطقه عملیاتی شما کانال آب خیلی بزرگی بود که باید پل می انداختید و از روی آن رد می شدید. ولی این از نظر نظامی غیرممکن بود و تو این را خوب می دانستی، اما گفتی: باید از این منطقه عبور کنیم. این دستور است. محمدم! هنوز از یاد نبرده ام. آن روز خسته بودی. مرتضی قربانی در جزیره مجنون کنارت بود. به او گفتی: یک نفر را بفرست جلو ببین خط چه خبر است؟ و او در جوابت گفت: دیگر کسی را ندارم بفرستم. معطل نکردی، خودت سوار موتور شدی رفتی جلو. آمدی کنار بچه ها که دلت برای آنها تنگ شده بود. همگام با آنان شروع کردی به آر. پی. جی شلیک کردن. آب نبود، همه تشنه بودند. بچه ها قمقمه های خالی را از کنار ماه های هور که کثیف بود پر می کردند و می خوردند. این وضعیت تو را ناراحت می کرد. سوار یکی از پلهای شکسته شدی و با دست شروع کردی به پارو زدن، تا آمدی وسط هور که آبش زلال بود. قمقمه ها را پر کردی و به بچه ها رساندی.

□□□

مادرت تعریف می کند: که سه ماهه آبستن تو بوده که به زیارت کربلا می رود. همانجا خواب می بیند که آقایی نورانی بچه ای قشنگ در دامانش می گذارد و می گوید: مواظب او باش. تو نه ماه بعد به دنیا آمدی و نامت را محمدابراهیم گذاشتند. همه می گویند تو از همان دوران کربلایی شدی و به لبان تشنه حسین (ع) دل بستی. مادرت می گوید: اولین سوره های قرآن را که آموختی خودش به تو آموخته و بعدها هم معلم قرآن شدی. همیشه حرفهایت را به اولین کسی که می گفتی مادرت بود. خیر مکه رفتنت را هم اولین بار برای او تعریف نمودی. او دوست صمیمی و محرم رازهایت بود. هیچگاه به دنیا دل نبستی. به همین خاطر اصلاً صاحب منزل نشدی و همیشه خانه به دوش بودی. با همه مهربان بودی و آن را از هیچ کس دریغ نمی کردی. تا می توانستی به فقرا کمک می نمودی. عملیات خیبر که شروع شد اسفندماه بود و نزدیکای عید. عملیات در جزیره مجنون گرم خورده بود. خیلی از یارانت همچون پرستوهای مهاجر به آسمانها کوچیده بودند. باید مقاومت می کردید و جزیره را حفظ می نمودید. این دستور بود و تو و یارانت محکم ایستاده بودید. مادرت می گوید پنج روز به عید مانده خبر شهادتت را آوردند. اما به او چیزی نمی گویند. جز خبر مجروح شدنت و اینکه در بیمارستان های اهواز بستری هستی. فردا صبح برادرت شهادت ترا به او می گوید و غریبانه ناله سر می دهد: همانی شد که خودش گفت. بعد می خواهد تو را برای آخرین بار ببینند، اما نمی گذارند. چون صورتت از بین رفته بود و یک دستت هم قطع شده بود. اما او همچنان اصرار می کرد. آخر سر برادرت او را می آورد بالای سر تو و جهت اطمینان یافتن انگشت سوم دست راست ترا که در کوچکه لای چرخ گوشت گیر کرده بود به او نشان می دهند. آنگاه دلش آرام می گیرد و غصه این را می خورد که چرا در آخرین تماسش که چند روز قبل از شروع عملیات خیبر بوده به او اصرار می کردی بچه ها در خانه تنهایند بچه ها زیر پیشانی بمان، او اما نرفته و بهانه آورده که نمی توانم بیایم و آخرین حرفش را کنار پیکر تو اینگونه زمزمه می کند: با حسین! این بچه را خودت به من دادی. حالا هم دارم تقدیمت می کنم. بی حساب شدیم، از من راضی باش!

□□□

آن روز، روز سختی بود. هم برای تو و هم برای بچه های لشکر ۲۷ رسول (ص). قرار بود یک گروهان نیروآماده شوند و خط را تحویل بگیرند. آن روز حاج قاسم فرمانده لشکر تا رالله هم در کنارت بود. با سید حمید سه نفری رفتید داخل سنگری کوچک.

حرفهایتان را زدید و قرارهایتان را گذاشتید. با حاج قاسم خداحافظی کردی و با سیدحمید سوار موتور شدی. راه افتادید. یکی دیگر از بچه ها با موتور پشت سرتان بود. سنگر پایین جاده بود. باید از روی پل رد می شدید و می آمدید روی جاده و این همان نقطه ای بود که عراقی ها روی آن کاملاً دید داشتند و تانکی را آنجا مستقر کرده بودند. وقتی آمدید روی پل موتوری که پشت سرتان بود فریاد زد حاجی اینجا را پر گاز برو! اما افسوس که دیگر دیر شده بود. گلوله شلیک شده کنار موتور شما نشست و با قدرت تمام منفجر شد و تو و سید حمید از موتور پرتاب شدید. تو به طرفی و حمید به طرفی. گلوله کار خودش را کرده بود. انفجار باعث شد که ما از صورت مهربانت و لبخندهای همیشگی ات محروم شویم و با یک دست به پرواز درآیی و به بهشت گام نهی.

محمدجان! آن روز تو از پنجره های آبی تا خدا گذشتی و از جزیره مجنون به آسمانها رسیدی. آن روز تو بودی و فرشته ها و پرنده ها. ما بودیم و مویه های مادرانه و دلهای مه آلود و چشمهای حیران. تو با فرشته ها و پرنده ها، خندان و شادمان در آسمانها ستاره می چیدید. ما و مویه های مادرانه و دلهای مه آلود و چشمهای حیران به مزارت پناه آورده بودیم. آن روز که تو رفتی واژه ها با صمیمی شدند و من و شعر به هم نزدیکتر شدیم.

امیرحسین حسینی

□ سمت راست، شهید همت

با هنرمندان دفاع مقدس

تعطیلی تنها پاتوق هنرمندان اهل دل

اشاره

«مرهمی از نوع عشق»، حکایت کاخ آینه و عشق و ...از جمله نمایش هایی است که توسط «مجید جعفری» با موضوع و محور دفاع مقدس به روی صحنه برده شده است. وی علاوه بر کارگردانی در نمایش های متعددی در جشنواره های سراسری دفاع مقدس بازی کرده است. جعفری فارغ التحصیل رشته بازیگری از دانشگاه آزاد تهران است و در حال حاضر کارشناس مسؤول هنری بنیاد شهید انقلاب اسلامی است و سالهاست فرزندان معظم شاهد را در حوزه تئاتر راهنمایی می کند.

حال و روز «مجید جعفری» این روزها چگونه است؟

به لطف خدا خوبم. فقط متأسفم از خبرهایی که این روزها درباره تعطیلی جشنواره تئاتر دفاع مقدس می شنوم. جشنواره ای که تنها پاتوق هنرمندان اهل دل و اهل خلوص و صداقت بود.

بعضی ها عقیده دارند حضور پیشکسوتان در این جشنواره کمرنگ شده است و دیگر کسی تمایل به شرکت در جشنواره تئاتر دفاع مقدس را ندارد شما چطور فکر می کنید؟

ببینید! این عرصه هنرمندان خودش را می خواهد، نمی شود انتظار داشت که هنرمند پیشکسوتی که عرق و علاقه ای به این مقوله نداشته و ندارد در این عرصه حضور پیدا کند. خوشبختانه برخی از هنرمندان این عرصه در نوع خود حرفه ای هستند و نمی شود از اسامی عزیزانی همچون جمشید خانیان، علیرضا نادری، حسین مسافرآستانه، مهرداد رایانی مخصوص، حسین پارسایی، کورش زارعی، سیدحسین فدایی و ... به راحتی گذشت و حضور مسلط اینها را در عرصه حرفه ای تئاتر دفاع مقدس نادیده گرفت.

جوان ترها چگونه می توانند با الهام از آن روزها دست به خلق آثار دراماتیکی بزنند جوان هایی که آن فضا و دوران را تجربه نکرده اند؟

طبیعتاً هنرمندان جوانی که آن روزهای سخت را تجربه نکرده اند از طریق مطالعه آثار مکتوب به جا مانده از آن دوران مثل خاطرات رزمنده ها و دیدن آثار هنری رزمندگان هنرمند در عرصه های مختلف هنر می توانند با وسعت حماسه دفاع مقدس آشنا شوند و با استفاده از ذوق هنری خود آثار دراماتیکی خلق کنند که البته قدری مشکل است چرا که تا در کوران حادثه ای قرار نداشته باشی نمی توانی آن را به خوبی درک کنی هر چند که ذوق هنرمند همیشه وسعت پروازش بی نهایت است.

صحبت شما با کسانی که شعار «تعطیل شدن جشنواره تئاتر دفاع مقدس» را سر می دهند چیست؟

این که اگر چه این حوزه مشکلات فراوانی دارد و محدود بودن امکانات و بعضی تنگ نظری ها نیز همواره در آن وجود داشته است اما زمینه ای بود برای عرضه خلاقیت هنرمندان جوانی که سالی یک بار بتوانند در این شط خاطره ها خود را شست وشو دهند.

ببینید! ما نباید از سال های آن سال هایی که حاصلش همین امنیت و موجودیتی است که الان داریم را فراموش کنیم منظورم شعارزدگی و سطحی نگری نیست اما وقتی جریانی از حرکت می افتد کم کم باید فاتحه اش را نیز خواند و من امیدوارم هنرمندان این حوزه با توانایی بیشتری آثارشان را با موضوع دفاع مقدس در جشنواره های بین المللی تئاتر ارائه کنند.

این گزارش را بخوانید؛ حتی اگر کت و شلوار مارک‌دار نمی‌پوشید

(اخلق نکنست)

حقایق بازار پوشاک مارک‌دار از زبان مدیر فروشگاه یک

آغازیی

فروشگاه فرهاد یک که امروز در ضلع جنوبی باوفر میرداماد زیباترین و مناسب‌ترین پوشاک مردانه استاندارد را به نمایش گذاشته است، نزدیک به ۵۰ سال پیش به همت مرتضی رضایی در خیابان لالهزار فعالیت خود را آغاز کرد.

دور تازه فعالیت این واحد تولید پوشاک در سال ۷۳ آغاز شد و امروز این فروشگاه با عرضه انواع پوشاک مردانه با کیفیت منحصربفرد به کانون شیک‌پوشان و میعادگاه سایان سلیقه و علاقمندان پوشاک مطلوب بدل شده است.

فرهاد رضایی مدیر جوان فروشگاه یک از ۱۴ سال پیش تاکنون در زمینه پوشاک مردانه و زنانه و ورزشی بویژه انواع لباس‌های اسکی فعالیت دارد و نماینده یکی از بزرگترین تولیدکنندگان پوشاک مردانه و زنانه دنیا در ایران است.

فرهاد رضایی در این گفت و گو ضمن ارائه دیدگاههای مرفهای و انتقال تجربه‌های تخصصی خود اطلاعات کاربردی و ارزشمندی را در اختیار هموطنان قرار می‌دهد. این اطلاعات که حاصل سال‌ها تلاش و فعالیت موفقیت‌آمیز می‌باشد برای مصرف‌کنندگان پوشاک در داخل و خارج کشور است، امکان انتخاب و خرید توأم با آگاهی و دانایی را برای هموطنان فراهم می‌سازد.

برای دریافت نمایندگی یکی از بزرگترین و پرآوازه‌ترین تولیدکنندگان پوشاک دنیا - که به نظر بسیار دخواه می‌آید - به مراحلی را پشت سر گذاشتید؟

- از آنجا که ایتالیا در این رشته سرآمد است، به این کشور سفر کردم و با شرکت‌های صاحب نام مانند:

«VERSACE» - ورساچه»

«ARMANI» - آرمانی»

«CANALI» - کانالی»

و «PIERE CARDIN» که معروفتر و قدیمی‌تر است به کافت و کو و ارزیابی پرداختم و سرانجام نشانی شرکت آدیدیتی ترکیه را که امتیاز تولید و فروش محصولات پی‌یر کاردن را در اروپای غربی در اختیار دارد و تولیدات آن در اروپای شمالی و غربی و آمریکای شمالی به فروش می‌رسد، به دست آوردم.

مذاکرات ما با مدیران آدیدیتی مدت مدیدی به طول انجامید و سرانجام پس از سه سال، نمایندگی فروش تولیدات پی‌یر کاردن در ایران به فروشگاه یک آغاز شد.

کشورهای دیگری هم محصولات پی‌یر کاردن را تولید می‌کنند؟

بله لهستان و مراکش و ژاپن. پی‌یر کاردن شرکت بزرگ و معظمی در ایتالیاست و ۲۰۰ هزار نفر در سراسر جهان برای این شرکت کار می‌کنند. پوشاکی که در لهستان تولید می‌شود در اروپای شرقی به فروش می‌رسد؛ تولیدات مراکش در نایستان خنک هستند (به این معنی که پس از در آسیای جنوب شرقی عرضه می‌شود و پوشاک تولید شده در ترکیه هم همان‌طور که اشاره شد بازارهای اروپای غربی و شمالی و آمریکای شمالی را تغذیه می‌کند.

آیا تفاوت این تولیدات با یکدیگر فاحش است؟ برای مثال تفاوت پوشاکی که شما عرضه می‌کنید با آنچه در دبی به فروش می‌رسد چیست؟

ابتدا بگویم پوشاکی که در دبی عرضه می‌شود با استفاده از پارچه‌ای است که به طور معمول ۵ درصد آن پلی‌استر و ۹۵ درصد آن ویسکوز است که در لوتیت چندانی ندارد و کالای ارزان پی‌یر کاردن به شمار می‌آید. به همین ترتیب، کالایی که در لهستان تولید می‌شود از پارچه‌ای با ترکیب پشم و پلی استر است که در مقایسه با پوشاک تولیدی در مراکش، مرغوب‌تر است.

با این همه، کالاهای یاد شده همگی اصل و اورجینال و متعلق به پی‌یر کاردن است و تنها تفاوت در قیمت است.

اصولاً کالاهای یاد شده از چه استانداردهایی پیروی می‌کنند؟

همه پوشاک که در کشورهای اروپای غربی و شمالی عرضه می‌شود باید مطابق با استانداردهای «یورو - ۲۰۰۰» باشد. طبق این استاندارد، تمامی مواد مصرف شده در پوشاک باید قابل بازیافت باشد.

*** پارچه از نخ مرینوس (پشم گوسفند استرالیایی) یا ترکیبی از نخ مرینوس و نخ کشمیر و یا نخ مرینوس و ابریشم طبیعی**

*** از الیاف طبیعی ویسکوز (گونه‌ای الیاف گیاهی که از تنه یا ساقه درخت اکالیپتوس تهیه می‌شود).**

*** دکمه از چوب درخت «KOROZ» که در اکوادور (آمریکای جنوبی) می‌روید.**

پوشاک پی‌یر کاردن که در آدیدیتی ترکیه تولید می‌شود و شما هم در این فروشگاه عرضه می‌کنید با رعایت استانداردهایی که اشاره کردید تولید شده است؟

البته تولیدات آدیدیتی ترکیه همگی از پارچه‌های پشمی (WOOL MARK) و یا پارچه‌هایی از پشم و کشمیر یا پشم و ابریشم بعنی الیاف صد در صد طبیعی است و بالاترین سطح کیفیت را دارد.

آیا پوشاک پشمی در همه فصل‌ها قابل استفاده است؟ اصولاً ممکن است به تفاوت‌های بین پارچه‌های پشمی با الیاف مصنوعی با پارچه‌های پشمی با الیاف طبیعی اشاره کنید؟

تفاوت این دو، از زمین تا آسمان است. پارچه‌های پشمی با همان WOOL MARK که از نخ مرینوس بافته شده بهترین کیفیت را دارند و ضمن سبک بودن، در زمستان گرم و در تابستان خنک هستند. (به این معنی که پس از جدا شدن از بدن حیوان، ویژگی خود را از گفته نمی‌دهند) **پس این باور که پارچه پشمی تنها در زمستان قابل استفاده است، درست نیست!**

بله درست نیست. البته برای فصل زمستان شکل خاصی از بافت پارچه مورد استفاده قرار می‌گیرد که پرز دارد و کوتاه‌تر از آن در ایران به شکل معروف است.

پارچه‌های پلی استر چه ویژگی‌هایی دارند؟

اصولاً پارچه‌ای که از الیاف مصنوعی بافته می‌شود نه تنها فاقد ویژگی‌های گرمایشی و سرمایشی است، بلکه در تابستان گرم و در زمستان سرد است.

این پارچه‌ها از نظر قیمت چه تفاوت‌هایی دارند و چه عوامل و شاخص‌هایی در تعیین قیمت آنها موثر است؟ جنس و کیفیت نخ و نمره آن از مهمترین شاخص‌ها در قیمت پارچه است و البته اعتبار و قدمت کارخانه بافنده هم در قیمت‌گذاری نقش عمده دارد. برای مثال نخ کشمیر بسیار کم وزن و غیرمتعارف مقاوم در برابر سرما است و در ترکیب با نخ پشم مرینوس از کیفیت خوبی برخوردار می‌شود و بهای آن نیز بیشتر است. در مجموع قیمت یک متر پارچه پلی‌استر ویسکوز در ترکیه حدود ۳ دلار و در چین نزدیک به ۵۰ سنت است درحالی که حداقل قیمت یک متر پارچه پشمی (WOOL MARK) ۸ دلار و بیشتر است که البته با توجه به نمره نخ و کارخانه بافنده در نوسان خواهد بود.

قیمت پارچه تمام پشم بیشتر است یا پارچه پشمی که با نخ کشمیر ترکیب شده است؟

پارچه‌ای که ۶۵ درصد پشم و ۵ درصد کشمیر دارد، حدود ۴۰ درصد از پارچه تمام پشم گرانتر است و پارچه پشمی‌ای که ۲۰ درصد آن کشمیر باشد، هر متر ۷۰ دلار ارزش دارد. به این ترتیب به نسبت میزان نخ کشمیر به کار رفته در پارچه، قیمت آن افزایش پیدا می‌کند. شاید بتوان نقش پارچه را در پوشاک به نقش طلا یا نقره در یک گردنبند تشبیه کرد که اجرت ساخت هر دو تقریباً یکسان است اما با ترکیبی از پشم و نخ کشمیر یا پشم و نخ ابریشم به کردنبند طلا یا پلاتین تبدیل می‌شود.

در مورد نخ کشمیر توضیح بیشتری بدهید؟

نخ کشمیر در منطقه (کشمیر پاکستان و هندوستان) از پشم بره بدهست می‌آید. گفته می‌شود بدلیل آب و هوای خاص آن منطقه. اختلاف دمای روز و شب تا ۴۰ درجه سانتی‌گراد هم می‌رسد. نخ کشمیر بسیار سبک و در عین‌حال بسیار گرم است و آن را با نخ مرینوس ترکیب می‌کنند. همان‌طور که اشاره شد هر اندازه عدد نخ کشمیر به کار رفته بیشتر باشد قیمت پارچه هم بیشتر خواهد شد.

ممکن است در مورد نمره نخ مثل «سوپر ۱۲۰» هم توضیح دهید؟

نمره نخ در حال حاضر در استانداردهای اروپا اجباری است یعنی کارخانه بافنده پارچه حتماً باید نمره نخ و وزن آن را انجام کند. همچنین وقتی دو رنده‌ای از آن پارچه استفاده می‌کند باید نمره نخ پارچه استفاده شده را حتماً ذکر کند. نمره‌های نخ دارای تنوع بسیاری هستند و هر یک از پارچه‌های پنبه‌ای یا پشمی و غیره نمره خاص خود را دارد. بطور کلی دو نوع نمره نخ داریم یکی مستقیم (Tex) و دیگری غیرمستقیم (Denier). مستقیم یعنی اینکه هرچه نمره نخ بیشتر باشد، نخ ضخیم‌تر است و غیرمستقیم یعنی هرچه نمره نخ بیشتر باشد، نخ نازک‌تر است.

در پارچه‌های پشمی، از نمره غیرمستقیم (Denier) اصولاً برای پارچه‌ها که از الیاف مصنوعی بافته می‌شود نه تنها فاقد ویژگی‌های گرمایشی و سرمایشی است، بلکه در تابستان گرم و در زمستان سرد است.

این پارچه‌ها از نظر قیمت چه تفاوت‌هایی دارند و چه عوامل و شاخص‌هایی در تعیین قیمت آنها موثر است؟ جنس و کیفیت نخ و نمره آن از مهمترین شاخص‌ها در قیمت پارچه است و البته اعتبار و قدمت کارخانه بافنده هم در قیمت‌گذاری نقش عمده دارد. برای مثال نخ کشمیر بسیار کم وزن و غیرمتعارف مقاوم در برابر سرما است و در ترکیب با نخ پشم مرینوس از کیفیت خوبی برخوردار می‌شود و بهای آن نیز بیشتر است. در مجموع قیمت یک متر پارچه پلی‌استر ویسکوز در ترکیه حدود ۳

14-14½	170's
14½-15	160's
15-15½	150's
15½-16	140's
16-16½	130's
16½-17	120's
17-17½	110's
17½-18	100's

نمره نخ کشمیر بالاتر از ۱۷۰ می‌شود.

اصولاً نمره نخ چه چیزی را نشان می‌دهد؟

نمره نخ نشان‌دهنده وزن و ضخامت نخ است. هرچه نمره نخ بیشتر باشد، نخ نازک‌تر است. به عنوان مثال نمره نخ ۱۲۰ یعنی ۱ کیلوگرم از نخ ۱۲۰ هزار متر طول دارد. البته در مورد نمره نخ باید بگویم سیستم‌های مختلفی وجود دارد مثل سیستم متریک و یا وزنی که مبحث طولانی دارد. بعضی اوقات برای تعریف متانخ نمره سوپر ۱۲۰ می‌گویند ۱۲۰ متر نخ یک گرم است یا در سوپر ۱۲۰-۱۲۰ متر نخ یک گرم است. ولی موردی که در بالا ذکر شد که ضخامت قطر نخ است طبق آخرین اطلاعات دقیق‌ترین سیستم اندازه‌گیری است.

به این ترتیب پارچه سوپر ۱۲۰ باید از پارچه سوپر ۱۲۰ نازک‌تر باشد؟

خیر. همان‌طور که عرض کردم این فقط نمره نخ است. وزن پارچه را در یک متر مربع اندازه‌گیری می‌کنند که معمولاً بین ۲۲۰ تا ۲۷۰ گرم متغیر است (در مورد پارچه‌های صددرصد پشم) به طور مثال باید گفت پارچه‌ای بافته می‌شود با نخ نمره ۱۴۰ ولی وزن آن ۲۷۰ گرم است پارچه دیگری با نخ ۱۲۰ ولی وزن آن ۲۲۰ گرم که این بسته به تراکم نخها و تراکم بافت و نوع بافت تغییر می‌کند.

در حال حاضر تا چه نمره نخ ممکن وجود دارد؟

تا نخ نمره ۱۷۰ که قطری بین ۱۳ تا ۱۴ میکرون دارد.

آیا توان و امکان بافت پارچه تمام پشم در ایران وجود دارد؟

بی‌تردید این امکان وجود دارد ولی مقدار آن نسبت به دیگر محصولات کمتر است. کارخانه‌هایی که از آنها یاد شد، بیشتر فنترین ماشین‌آلات بافندگی را در اختیار دارند ولی از آنجا که پارچه صددرصد پشم قیمت بیشتری دارد اکثر تولیدکنندگان هم، پارچه‌های ضخیم‌تر را می‌پسندند. بافندگان به طور معمول نیاز بازار را مورد توجه قرار می‌دهند.

اشاره کردید در ایران بیشتر فنترین ماشین‌آلات بافندگی وجود دارد. اثر یا وضعیت دارد، باید عرض‌ترین پارچه‌ها را تولید کنیم؟

بله در مرحله «تکمیل» پارچه مربوط می‌شود که به منزله «فوت کوزه‌گری» است و ایران، در این زمینه چندان پیشرفته نیست. البته ترکیه هم به رغم صنعت نساجی بسیار مدرن، پارچه‌هایی تولید می‌کند که با انواع ایتالیایی و انگلیسی فاصله بسیاری دارد.

حقیقت این است که صنعت پوشاک روز به روز رشد می‌کند و به فراغت و نظافت گرایش بیشتری می‌یابد. برای مثال در گذشته‌های نه چندان دور وزن یک‌دست کت و شلوار زمستانی حدود ۲/۵ کیلو بود اما امروز شرکت‌های معتبر تولیدی این وزن را به یک کیلو رسانده‌اند.

علت این است که آن از پارچه صددرصد پشم و یا پشم و ابریشم با نخ نمره ۱۰۰ تا ۱۴۰ استفاده می‌کنند تا پارچه‌هایی سبکتر و ظریفتر تولید شود.

در مرحله تکمیل، چه اتفاقی روی می‌دهد؟

همانطور که می‌دانید یک میکرون یعنی یک هزارم میلیمتر پس فرق فیلی زیادی بین سوپر ۱۰۰ با سوپر ۱۷۰ نیست و فقط حدود ۳ میکرون یعنی ۳ هزارم میلیمتر با هم تفاوت دارند. با این همه چون یک استاندارد اجباری است، باید ذکر شود. البته در مورد نمره نخ باید بگویم سیستم‌های مختلفی وجود دارد مثل سیستم متریک و یا وزنی که مبحث طولانی دارد. بعضی اوقات برای تعریف متانخ نمره سوپر ۱۲۰ می‌گویند ۱۲۰ متر نخ یک گرم است یا در سوپر ۱۲۰-۱۲۰ متر نخ یک گرم است. ولی موردی که در بالا ذکر شد که ضخامت قطر نخ است طبق آخرین اطلاعات دقیق‌ترین سیستم اندازه‌گیری است.

به این ترتیب پارچه سوپر ۱۲۰ باید از پارچه سوپر ۱۲۰ نازک‌تر باشد؟

خیر. همان‌طور که عرض کردم این فقط نمره نخ است. وزن پارچه را در یک متر مربع اندازه‌گیری می‌کنند که معمولاً بین ۲۲۰ تا ۲۷۰ گرم متغیر است (در مورد پارچه‌های صددرصد پشم) به طور مثال باید گفت پارچه‌ای بافته می‌شود با نخ نمره ۱۴۰ ولی وزن آن ۲۷۰ گرم است پارچه دیگری با نخ ۱۲۰ ولی وزن آن ۲۲۰ گرم که این بسته به تراکم نخها و تراکم بافت و نوع بافت تغییر می‌کند.

در حال حاضر تا چه نمره نخ ممکن وجود دارد؟

تا نخ نمره ۱۷۰ که قطری بین ۱۳ تا ۱۴ میکرون دارد.

آیا توان و امکان بافت پارچه تمام پشم در ایران وجود دارد؟

بی‌تردید این امکان وجود دارد ولی مقدار آن نسبت به دیگر محصولات کمتر است. کارخانه‌هایی که از آنها یاد شد، بیشتر فنترین ماشین‌آلات بافندگی را در اختیار دارند ولی از آنجا که پارچه صددرصد پشم قیمت بیشتری دارد اکثر تولیدکنندگان هم، پارچه‌های ضخیم‌تر را می‌پسندند. بافندگان به طور معمول نیاز بازار را مورد توجه قرار می‌دهند.

اشاره کردید در ایران بیشتر فنترین ماشین‌آلات بافندگی وجود دارد. اثر یا وضعیت دارد، باید عرض‌ترین پارچه‌ها را تولید کنیم؟

بله در مرحله «تکمیل» پارچه مربوط می‌شود که به منزله «فوت کوزه‌گری» است و ایران، در این زمینه چندان پیشرفته نیست. البته ترکیه هم به رغم صنعت نساجی بسیار مدرن، پارچه‌هایی تولید می‌کند که با انواع ایتالیایی و انگلیسی فاصله بسیاری دارد.

حقیقت این است که صنعت پوشاک روز به روز رشد می‌کند و به فراغت و نظافت گرایش بیشتری می‌یابد. برای مثال در گذشته‌های نه چندان دور وزن یک‌دست کت و شلوار زمستانی حدود ۲/۵ کیلو بود اما امروز شرکت‌های معتبر تولیدی این وزن را به یک کیلو رسانده‌اند.

علت این است که آن از پارچه صددرصد پشم و یا پشم و ابریشم با نخ نمره ۱۰۰ تا ۱۴۰ استفاده می‌کنند تا پارچه‌هایی سبکتر و ظریفتر تولید شود.

در مرحله تکمیل، چه اتفاقی روی می‌دهد؟

این مرحله که پس از بافت آغاز می‌شود، شامل عملیات زیر است:

۱. شست و شو برای حذف مواد شیمیایی

۲. پرز سوزی

۳. سفیدکاری و آماده‌کردن پارچه برای رنگ و چاپ

۴. شست‌وشوی مجدد

۵. افزودن مواد خاص برای نرمی و لطافت پارچه

۶. شست‌وشو برای سومین بار

۷. تثبیت عرض پارچه با استفاده از دستگاهی موسوم به "Stainter"

۸. اعمال فشار به پارچه برای جلوگیری از آب رفتن یا استفاده از «سایز فریز»

۹. خاکه‌پوش یا متراژ ۲۵ یارد-۲۵ متر-و ...

آقای رضایی! کمی هم از کشوشلوارهای استاندارد و آماده‌ای که از خارج تنوع، زیبایی و آراستگی، توان انتخاب را از مشتریان سلب می‌کنند بگویید و به مراحل تولید نیز اشاره کنید؟

حقیقت این است که زمانه دگرگون شده و امروز کتانهایی که من و شما را در این فروشگاه احاطه کرده‌اند، همان کت و شلوارها و پوشاکی هستند که در فرانسه و آلمان و ایتالیا و سوئیس و سوئد و فنلاند و دیگر کشورهای اروپای غربی و شمالی به مشتریان عرضه می‌شوند.

باز هم تأکید می‌کنم کتانیی که در مناطق یادشده عرضه می‌شود در بالاترین سطح استاندارد و کیفیت قرار دارد. و نکته درخور توجه این که قیمت این کتانها در ایران از یک سوم قیمت آن در اروپا نیز کمتر است.

از سوی دیگر، قیمت این کت و شلوارها نزدیک به ۴۰-۵۰ درصد بیشتر از انواع ایرانی است اما از دیدگاه کارشناسی به لحاظ کیفیت پارچه، آستر، لایی، بعر عقید و اجزای دیگر، تفاوتها و امتیازهایی وجود دارد که وجوه برتری انواع خارجی موجود در این فروشگاه را به ۵۰۰ درصد می‌رساند.

لطفاً به مراحل تولید هم اشاره کنید؟

درباره مراحل تولید این لباسها باید بگویم وقتی پارچه‌ای را برای تولید در نظر می‌گیرند چون تمامی مشخصات پارچه به کامپیوتر داده شده، متناسب با آن پارچه، لایی در نظر می‌گیرند. به طور مثال اگر پارچه صددرصد پشم یا وزن ۲۵۰ گرم یا نمره نخ سوپر ۱۲۰ می‌خواهد وارد خط تولید شود، لایی متناسب با آن را در نظر می‌گیرند. نکته جالب این که اگر این لایی‌ها را در کلاسور مخصوص آنها ببینید یا حتی با دست لمس کنید فرق چندانی احساس نخواهید کرد در حالی که کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند. این لایی‌ها نمره و گحدمخصوص دارند که بسته به نوع پارچه انتخاب می‌شوند. در ضمن، بار گردن طاقه پارچه و قد کردن آن نیز بوسیله دستگاه انجام می‌شود. برش پارچه کاملاً کامپیوتری است و بسته به نوع الگو که به آن «کوپ» می‌گویند متفاوت است. مثلاً سیر کار در، چندین نوع کوپ مختلف دارد: یکی به نام Potrra که کت آن از راحت است. دیگری موسوم به "CHAN" که برش گرسنی و کمی تنگ دارد و سومی به نام "Keper" که این دوتای قبلی است و غیره.

آیا رایانه در مراحل دیگر هم دخالت دارد؟

کلیه مراحل چسباندن لایی به قسمتهای مختلف مانند سینه، حلقه آستین، سرآستین یا جیب‌ها با دستگاههایی پرس کامپیوتری و برنامه خاص و تنظیم زمان و درجه حرارت نسبت به نوع پارچه و لایی تنظیم و اجرا می‌شود. دستگاه مخصوص، اتصال لایی به تمامی نقاط را بطور یکسان انجام می‌دهد درحالی که اگر این کار را با دست انجام دهند، به یکبارد نمی‌تواند ضمن این که ممکن است اعمال فشار به نقاط مختلف با نوسان انجام شود در دستگاه مخصوص پرس مشخص است که چند ثانیه باید به لایی و پارچه فشار وارد شود تا این دو به طور کامل در تاز و پود یکدیگر رخنه کنند. بعد از چسباندن لایی، مرحله دوخت فرا می‌رسد که در این مرحله هم تمامی دوخت‌ها بدیه وسیله ماشین‌های دوخت کامپیوتری که حتی تعداد بخیه (کوکها) را نیز مشخص می‌کنند انجام می‌شود. در این مرحله از روش تولید زنجیره‌ای استفاده می‌شود که باید گفت به طور مشخص هرکسی قسمتی از کار را انجام می‌دهد. مثلاً یکی فقط آستین می‌دوزد. دیگری یقه و به همین ترتیب... یادآوری می‌کنم مرحله اتصال آستین به کت کاملاً با قالب انجام می‌گیرد که در این حالت امکان خطا به صفر می‌رسد و هرگز نمی‌بینیم آستینی کج دوخته شده و به اصطلاح دورنگکن آستین-رو» یا «زیر» باشد. خلاصه، همه کارهایی را که فیلا خرابه‌های ماهر با دست انجام می‌دادند در حال حاضر دستگاههای مخصوص انجام می‌دهند. حتما روی یقه بعضی از کتها را دیده‌اید که کوک خورده و به اصطلاح دارای بانتو است. اگر از پایین کت (پای داعن) تا بالای یقه را نگاه کنیم، می‌بینیم فاصله تنها و طول آنها با هم برابر است چون دست نمی‌تواند با این دقت کار انجام دهد. حتی برای کوچکترین کارها دستگاه وجود دارد. برای مثال برای برگرداندن یقه که شلیه خیلی هم ساده به نظر برسد. اول یقه را برعکس می‌دوزند و بعد آن را برمی‌گردانند. در کارگاههای کوچک مجبورند برای این کار از سوزن بزرگ یا پیچ گوشتی استفاده کنند. برای همین نوک بعضی از یقه‌ها تیزتر است. بعد از دوخت مرحله انوکاری است که آن هم به طور خودکار انجام می‌شود. سه بار انوکاری (انو اول، وسط و آخر) با دستگاههای پیشرفته و هر دستگاه مخصوص یک قسمت از کت یا شلوار. یک دستگاه برای سینه کت، یکی برای سرشانه، یکی برای آستین‌ها و یک دستگاه برای پشت کت و بعد از آن مرحله کنترل و بعد بسته